

قیام امام ایران

زین نظر سورا نویسندهگان

ازگان روزی بهشت است و ملت ملی ایران

هادی بزراد

“محبت‌های” نوظهور

کا بینهی ائتلافی لیکود- کارگر)، بهر بهانه‌ای کوشش کرده اند تا مخصوصاً " به دولت‌های میانه‌رو عرب حالی کنند که اسرا شیل (از این پس) در انتقال ویا فروش اسلحه به رژیم‌تهران دست نخواهد داشت و حتی از هرگونه اقدامی که احتمالاً برسیاست این دولت‌ها در مقابل با تحریکات جمهوری اسلامی خللی وارد آورد، خودداری خواهد کرد.

ظاهراً " اسرا شیلی‌ها با چنین چرخشی خواسته‌اند رضایت خود را زنتا یچ کنگرانس عمان بدانجهت که این با رگمتریا پیسی مسئله فلسطین بوده است، ابراز دارند و غیر مستقیم به اعراب تلقین کنند بیوندهای آشکار و نهان اسرا شیل با رژیم‌تهران، محصول خصومت اعراب و خاصه با فشاری آنها در هوا خواهی از فلسطینی‌ها است - بنا بر این اگر اعراب از صبر خود در این زمینه دست بردارند، اسرائیل نیز در سوخت رسانی به آیت‌الله‌ها سست خواهد آمد.

بقیه در صفحه ۲

از رادیو ایران

بودجه مرگ

به هنگام ارائه لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی، میرحسین موسوی گفت که ۴۱ درصد بودجه به جنگ اختصاص یافته است. این رقم، اگرچه به نسبت، یکی از بالاترین ارقام بودجه جنگی در سراسر تاریخ است، لیکن نشان دهنده تمایز واقعیت نیست. واقعیت این است که جنگ به مراتب بیش از این از بودجه کل کشور سهم گرفته است.

رقم نامبرده فقط نشان می‌دهد که وزارتخانه‌ها و سازمانها می‌توانند با تدارک وسایل جنگ سروکار دارند، ۴۵ درصد بودجه را به خود اختصاص داده‌اند. ولی واقعیت این است که هر روز ارتخانهای و هراسا زمانی دارای یک ستاد پشتیبانی جنگ است و در نتیجه سهمی از درآمدهای خود را به جنگ اختصاص می‌دهد و این البته سواستی با جی است که ظاهراً "داوطلبانه" اما در واقع به زور برای کمک مالی به امر جنگ از مردم می‌گیرند.

بقیه در صفحه ۱۰

در هفته‌های گذشته و دقیقاً "از زمان انتشار قطعنامه کنفرانس سران عرب دولتمردان اسرا شیل (از هر دو جناح

حیثی مشکان

سرازنو، بازی از نو!

وزیر کشور جمهوری اسلامی - حجت الاسلام محتشمی - با تفاق معاونین خود اخیراً " با آیت‌الله منتظری بر لزوم فعالیت احزاب تاکید کرد. متعاقباً " معاون سیاسی وزارت کشور در مصاحبه‌ای گفت که با توجه به تاکیدات فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری بزودی قانون احزاب و گروه‌های سیاسی اجرا خواهد شد.

مردان جری اوایل شب از بازتاب‌ها نگرانی داشتند. زتن سفره را گسترده‌تر کردند و بعد از شام، مرد به زن گفت برو به اتاق خواب، لباس از تنت خارج کن و منتظر من باش. زن چنان کرد، حاج آقا مشغول رسیدگی به حساب‌های تجارخانه و انتقال ارقام زدفتر روزنامه به دفتر کل و مطابقت اسناد و پروات شد و وقتی سر برداشت که سپیده دمیده و بانگ خسروس برخاسته بود.

بقیه در صفحه ۱۲

سیاستمداران فیلسوف

روزنامه‌های کیهان، کیهان‌های با هاشمی رفسنجانی بعمل آورده است. این مصاحبه که گویا ده - دوازده نفری از روزنامه‌های کیهان در آن شرکت کرده‌اند، دو صفحه تمام از روزنامه را به خود اختصاص داده است. عنوان درشت صفحه اول روزنامه نیز به این مصاحبه اشاره دارد:

نشست کیهان با رئیس مجلس پیرامون آینده جنگ، سیاست خارجی، انتخابات و فتاوی امام. حرف‌هایی که رفسنجانی در این مصاحبه زده، اگرچه زبانه‌های جهات درخور توجه است، اما نفس انجام مصاحبه‌ای با این

بقیه در صفحه ۴

پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

(بمناسبت سالروز ۱۶ دیماه ۱۳۵۷)

خواهران و برادران عزیز! پس از چند ماه سکوت، من امروز که مصافح با نهمین سالروز قبول مسئولیت اداره کشور بعنوان نخست وزیر است، انتخاب کردم تا با شما صحبت کنم. در آن ایام، پس از گذشت ۲۵ سال اختناق و عدم توجه به خواسته‌های مردم، وضع کشور به درجه انفجار آمیزی رسیده بود. نوجوانان ما نمیتوانستند تصویر روشنی از آن روزها داشته باشند، اما جوانان بخاطر دارند که چگونه مثنی دروغ زن و شیا در لباس روحانیت، از عدم رضایت مردم سود برده و خود را به صورت مبشران آزادی کشور در آورده‌اند. چه وعده‌ها که ندادند و سپس بنا بر آزادی و قانچون چه جنایت‌ها که در ۹ سال گذشته مرتکب شدند. گروه‌های فردی نیست که، بطور مستقیم یا غیر مستقیم، از گزند آنان مصون مانده‌اند.

بقیه در صفحه ۳

بمن خجسته

پدین سنگین

بر پاهای لاف

در هفتمین سال جنگ ظاهراً "هنوز برای رژیم‌تهران فرصتی مناسب بدست نیامده است تا ضربه نهائی را برای یکسره کردن کار وارد آورد. این راه شمی رفسنجانی - که دوباره با عنوان "مرد شماره دورژیم" ظاهر می‌شود - گفته است.

در میانده نیمه اول سال ۶۵ خمینی گفت که کار جنگ با یدهمین امسال یکسره شود، و رفسنجانی و خا منهای در خطبه‌های نماز جمعه و فرماندهان سپاه سداران در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها به مردم بشارت دادند که سال ۶۵ پایان پیروزمندانه جنگ است.

سال ۶۵ بسر رسید و زیروز خیری نشد. هاشمی رفسنجانی در نقطه گردش سال گفت که جنگ به هدف‌های اصلی دست یافته است و در سال ۶۶ - سالی که سه ماهه آخر آن آغاز شده است - شاهدیایان کار خواهیم بود. سال ۶۶ هم در دبیر می آید ولیکن نفس میلان دیگر گرم نیست. زمان هر چه بیشتر گذشت، به همان اندازه زمان مداران تهران خوش بینی خود را بیشتر زدست دادند.

بقیه در صفحه ۳

لسان الغیب شیراز

صدر نشین دیوان غزل

در صفحه ۶

شرح وضع و احوال کنونی کشور را شما خود بهتر میدانید ولی تصور نکنید که ما از آنچه بر شما میگذرد غافل و ناآگاه هستیم. میدانم که شما بیش از هر چیز احتیاج به گزند آنان مصون مانده‌اید.

شرح وضع و احوال کنونی کشور را شما خود بهتر میدانید ولی تصور نکنید که ما از آنچه بر شما میگذرد غافل و ناآگاه هستیم. میدانم که شما بیش از هر چیز احتیاج به

سخن رضوانی

اراده مبارک امام

وقتی افغان‌ها برافغان دست یافتند و دولت صفویه به آخر رسید وضع فاجحان شباهت زیادی به وضع فاجحان تهران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی داشت.

اطرافیان محمود گروهی هنگامه گردیدند که اکثرشان خط و سواد نداشتند و آئین کشور داری چیزی نمی‌دانستند. محمود بتدریج رجال دولت صفوی را کنار گذاشت و مقامات کشوری و لشکری را به اقوام و کسان خود سپرد. امام جمعه صفهان که فرمان از شاه سلطان حسین گرفته بود بعد از زغلبه افغان‌ها تا مدتی با خوش خدمتی نسبت به حکمران جدید مقام خود را حفظ کرد اما چون امامت جمعه مقام مهمی محسوب میشد و در آمد خوبی هم داشت بالاخره محمود تصمیم گرفت یکی از اطرافیان خود را بعنوان امام جمعه منصوب کند.

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

و اما آیا این هم "قولی" است از قول های رایج و آیا می توان پذیرفت که به واقع چرخشی در دیدگاه های تل اوپونست به جنگ و حمایت از رژیم آیت الله هارخ داده است؟

پرسش هایی است که پاسخ مسلم به آنها، با اطلاعات موجود آن نیست. زمانه مداران اسرائیل، بنیان نکرده اند که دوام جنگ، در حفظ منافع و خاصه امنیت کشورشان، نقش فوق العاده مؤثری ایفا کرده است (و البته این را با دیدیه حساب "شیرین کاریها" روزگار نوشت که چطور "اما مجاهد راه های قدس" را در تقسیم این "رحمت الهی" با "اشغالگران قدس" هم سفر و هم سفره ساخته است.)

بهر تقدیر، اسرائیلی ها از همان آغاز درگیری با یک محاسبه ساده سهم خود را از این "موهبت خدائی" مشخص کردند، با این برداشت ها که دادا جنگ:

اولاً "قدرت رزمی و اقتصادی عراق را علی رغم اتکاء به یک ثروت عظیم نفتی در هم خواهد شکست و از تبدیل آن به یک کانون خطر جدی و بالفعل در پشت مرزهای اسرائیل مانع خواهد شد.

ثانیاً "اتفاق (ولو همیشه نیم بنسند) اعراب را بر پیش از پیش خواهد پیوستاند و لاقلاً از توجه به اسرائیل منحرف خواهد ساخت.

ثالثاً "مهم تر از همه این ها، مشکل فلسطین را نه فقط در چشم اعراب بلکه همچنین در محنتی بین المللی به یک حکایت فراموش شده مبدل خواهد کرد و در همان حال، در ردیف آثار رنجی جنگ و مثلاً در قلمرو معاملات سنگین و سودآور اسلحه و یا آن گونه که برخی از سیاست پيشگان اسرائیلی اعتراف کرده اند، در جهت کمک به کاهش هزینه های امنیتی نیز فرصت های شیرینی در اختیار اسرائیل خواهد گذاشت.

بنابراین فهم آن دلایلی که "منافع" تل اوپووتهران را مخصوصاً "در حفظ شرایط جنگ، به هم گره زده است، حتی پیش از زلوفتن فضا تحت "ایران گیت" نیز دشوار نبود، افشای ماجرا های پشت پرده "تهران - تل اوپو و واشینگتن" تنها پاسخ به این پرسش را آن ساخت که: از چه رو اسرائیلی ها اصرار داشته اند تا دست آمریکا را نیز به زیادهای سیاسی خود در منطقه بند کنند؟

اول بار این اعترافات مک فارلینس رئیس اسبق شورای امنیت ملی ایالات متحده، و از با زبیران دست اول معرکه "ایران گیت"، بود که بنیان دقتا یا را شکافت.

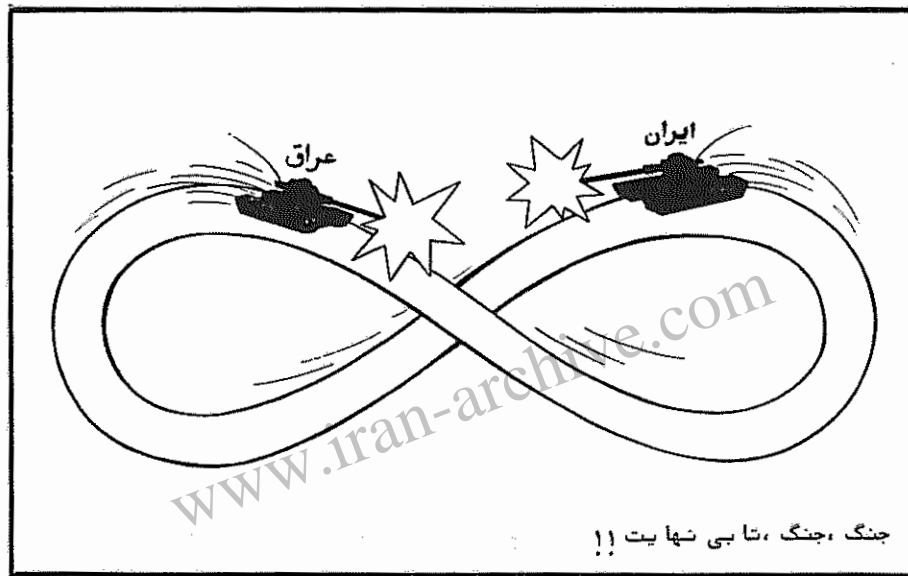
نقل اوطی با زجوشی های (کمیتتهی تا ور) و پس از آن در کمیتهی مشترک مجلسین سنا و نمایندگان، مسلم ساخت که سوا دت بنیان "ایران گیت" از آغاز تا انجام با کوشش و صراحت اسرائیل جور شده است.

از توضیحات اوست: "نیر، از ما حب منعبان وقت در دولت اسرائیل، برای نخستین بار، امکان آزادی گروگانها را در قبال فروش اسلحه با ما در میان گذاشت ولی من ایهی آوری کردم که چنین

"محبت های" نوظهور

معامله ای برای ما مقدور نیست، مع هذا موضوع را به اطلاع رئیس جمهوری خواهم رساند و جواب او را ابلاغ خواهم کرد. مک فارلین در دنیا لای توضیحات خود اضا فاه میکند: "... همانطور که پیش بینی میکردم با زتاب رئیس جمهوری با تاء کید برای این که ایالات متحده به هیچ وجه نمی تواند از تعهدات خود مبنی بر تحریم فروش اسلحه به تروریست ها و دولت های مولد تروریسم عدول کند، منفی بود، بنا بر قرائی که

قطع جنگ ابراز علاقه کرده، در میان های راه با "سیاستی" جور شده که هیچگاه بر پایان این غائله نظر مسا عدی نداشته است؟ بهر صورت از همه آن چه بدنبال با زجوشی ها و افشاگریهای چند ماهه، به عنوان یک واقعیت مسلم پذیرفته شد یکی هم این نکته بود که "ایران گیت" از ریشه ها مخلوق سیاسی بوده است که از همان ابتدای جنگ در تل اوپو قسوام گرفت و عملاً به یک خط اساسی در سیاستهای منطقه ای اسرائیل مبدل شد.



داشتیم پاسخ ریگان را به واسطه ای اسرائیلی ابلاغ کردم و گمان من در آن هنگام، این بود که مسئله بکلی منتفی شده است. اما دو هفته بعد با دیگر "نیر" به سراغ آمدن این با ریشنه دتا زهای آورده بود که بموجب آن ایالات متحده مستقیماً "در معاملات اسلحه دخالتی نداشته، اسرائیل سلاحهای مورد تقاضای تهران را از ذخایر خود تاء مین میکرد با این شرط که آمریکا هر چه سریع تر جای خالی آنها را پر کند.

مک فارلین ادا می دهد: "طبعاً این پیشنهاد را هم با رئیس جمهوری در میان گذاشتم و او ایسن روش را پذیرفت."

سرهنگ نورث و دریا دارپویندگستر نیز در جلسات با زجوشی کنگره نقش تشویق کننده ای اسرائیل را انکار نکردند و جالب توجه است که نورث در جواب سنا تورسان رئیس کمیتهی تسلیحات سنا و عضو برجستهی دستگا رهبری حزب دمکرات، که سوءال کرد: "آیا آمریکا و اسرائیل در قبالب جنگ ایران و عراق از سیاست هماهنگی پیروی می کنند؟" - بی آنکه نظر خود را بشکافد، به این توضیح اکتفا کرد که "ما میدانستیم در همه زمینها دیدهای ما و آنها (اسرائیلی ها) یکسان نیست ولی در جهت تقویت جناح معتدل و غرب گرا در رژیم اسلامی و در درجهی دوم دستیابی به گروگانها، اختلاف نظری در میان ما نبود."

روشن بود که پرسش سنا تورسان بصورت تلویحی، متوجه طرح این مسئله است که چگونه دولت ایالات متحده که دتا "بر

خوانندگان ما شاید بخاطر میا ورنده که در تحلیلی بر این نظریات کید داشتیم که "اگر این سیاست، در کوتاه مدت بتواند تمنیای اسرائیل را در منطقه بر آورد و مخصوصاً در کنتر این فاجعهی ویرانگر (غوغای فلسطین) را خاموش یا نیمه خاموش کند - در درازمدت گرهی از این کلاف پیچیده و کور نخواهد گشود و این سهل است اسرائیل را در پراس این حلقه ای عظیم دشمنی ها، خواهنا خواه با کین جوشیها و خصومت های تازه تری مواجه خواهد ساخت. تردیدی نیست که تا کنون دوام جنگ اگر نه تمام، دست کم چندی از درخواست های اسرائیل را پاسخ گفته است - عراق نه حالا که حتی سالها پس از این نیز نیروی قابل اعتنائی در خط دشمنی با اسرائیل نخواهد بود - انکارنا پذیر است که در طی این هفت سال گذشته، وقوع تجا و ز مجددی از سوی اعراب بر ضد اسرائیل حتی قابل تصور هم نبوده است - جای شک نیست که در این با زار گرم خرید و فروش اسلحه، خزانهای اسرائیل بخصو در مرحله ای که با مشکلات اقتصادی بسیار دست بگریبان است، بی نصیب از دریافت های کسلان نبوده است با این همه طراحان سیاسی این کشور سخت در اشتبا هند اگر از دوام این جنگ و مخصوصاً با دکردن ملاحهای حاکم در ایران، شماری بیش از یک داریوی مسکن طلب کرده اند.

حوادث خونبار و پرهیبت اخیر در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن و بیت المقدس و حتی مناطقی جدا از سرزمین های اشغالی مسلم ساخت که معضل فلسطین، در سایه جنگ خلیج فارس نه فقط رنگ نباخته

که با دتا زهای نیز یافتا است. بررسی های که اخیراً در پراس راهی از منو سات تحقیقاتی غرب صورت گرفته بروشنی نشان می دهد که رگه های محسوسی از گرایش های بنیادگرای اسلامی در حرکات فلسطینی پرورش یافته و روبه افزایش است و این همه خود بیان کنندهی این واقعیت است که مشکل فلسطین از رهگذر سیاست های "از امروز تا فردا" رفع شدنی نیست و بمصلحت اسرائیل است که توجه خود را بسوی شیوه ها و راه های منطقی بگرداند، که مسلماً "وجه المصالحه" قرار دادن زندگی دیگران در شمار آنها نیست.

دولتمردان اسرائیل با دید پذیرنده که با سوخت رساندن به این کانون مرگ و نهدام، خواهنا خواه بر قضاوت ملت ایران اشسر خواهند گذاشت، که بی هیچ گفتگو، در سراسر منطقه نادره ملتی است که پشت پسر فرهنگ مد را گر خود از منازعات قومی و نژادی برهیز داشته است. طراحان سیاست های منطقه ای اسرائیل بسا ید قبول کنند که این فاجعهی ایران سوز، سرانجام پایانی خواهد داشت - سندی در میان نیست که آنرا به ابدیت دوخته باشد - مسلماً "زمانی نیز خواهد رسید که از این رژیم جهانی که چون دملی چرکین و پردرد بر پیکرهی ملت ایسران نشسته است نشانی نخواهد بود و طبیعاً مهلتی پیش خواهد آمد که این ملت با همه دستهای که تنور این وانفسای مرگ را تا فتها ندبه تسویه حساب بنشینند و مواضع خود را در همه را ببطها با معیار عقل و تجربه و سا بقه شالوده بریزد.

اسرائیل تا کنون ادعا کرده است که "مقصود از زساندن سلاح به ایران، نه تقویت رژیم، بلکه کمک به ارتش ایران و مردم ایران بوده" و این را دلایل مشروعیت عمل خود ساخته است.

این یک "استدلال" نیست، احتجاج تمام عیار است در آن حد زستی که گمسان نمی رود که حتی کودکان دبستانی را نیز اقناع کند. طلب فوری ملت ایران قطع فاجعه است که می رود ایران را به یک دشت سوخته - بیک ویرانه - به سرزمین فلجها و کوره ها و زندگی باخته ها مبدل کند.

این حساب هرگز و هرگز از قضاوت مردم ایران دور نخواهد شد که اگر دست سوادگران مرگ از هر دوسوی این سفره ی خون کوتاه بود، تا کنون این داستان جاسوزبسه آخ رسیده بود.

حکایت غریبی است - این یک به دوستی با ملت ایران میلاد و آن یک به دوستی با ملت عراق سینه چاک میزند و در ایسن میان دولت ایران و عراق اندک سدر آتش چنین "محبت های" نوظهور و ناخواسته کباب میشوند.

مسئله ای اساسی ملت ایران، حضور رژیم جهانی ملاحا است: رژیمی که در ذرات وجودش دشمنی با ایران رسوب کرده است، رژیمی که خود آشکارا قرار میکند به "ایران زداشی" کمر بسته است، رژیمی که جنگ را شیشهی عمر و جانی را ستون خیمه ای خود ساخته است ...

بقیه از صفحه ۱

مردم در بیهوشی و ترمیم خرابی های مملکت را مطرح مینماید و بایده های گرفتن ریه ها را سخن دهد. مسئله اینست که چگونه و با چه تدبیری میتوان در آخر قرن بیستم به تسو جوش قرون وسطائی رژیم خمینی پایان داد. قبل از هر چیز لازم میداند که یک نکته مهم و پر معنی را برای شما بیان کنیم. ولی از شما میخواهیم که با سونو میدی را از خود دور نگه دارید و خوب خیال نکنید که ایمان من به پیروزی نهایی ایران دچار زلزله گردیده است. در سالهای گذشته ما، از نظر مادی و مالی، تحت فشار های طاقت فرسائی قرار گرفتیم. نهضت مقاومت ملی ایران و خود من در پیروی از اصلت و ملی گرائی پایداری نداریم. و بایده به اطلاع شما خواهران و برادران عزیز برسانم که اکثریت قاطع همزمان ما، در داخل و خارج، در این مبارزه پایدار و بی پایان، آماده معا مله با آزادی و شرف ایران نبودیم و نیستیم. لذا مجبور شدیم که بودجه خود را محدود تر کنیم و فعالیت خود را تقلیل دهیم. در این راستا ما ناچار شدیم که مدد معاش ۸۵ نفره دانشجویان و دانش آموزان در ترکیه قطع کنیم، تقریباً تمام کمک های که در فرانسه، آمریکا، انگلیس و سایر ممالک به جوانان برای ادامه تحصیل میکردیم، حذف نمودیم، مسافرت ها را محدود کنیم، تبلیغات

پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

(بمناسبت سالروز ۱۶ دیماه ۱۳۵۷)

سا بر ما لک جهان نیز چنین بوده و خواهد بود. در انگلستان در صد سال پیش دموکراسی بود ولی شبا هتی به وضع کنونی این کشور نداشت. دموکراسی سیاسی، دموکراسی اجتماعی، دموکراسی اقتصادی مکتب و مستلزم یکدیگر هستند.

دولت پیشرفته برای خود نسخه آزادی و دموکراسی را مفید تشخیص داده اند و دولتی برای ما بنا مذهب، حکومت تعلیم و بنام نظم و آرا مش، حکومت جکمه را تجویز میکنند. لشکر کشی در زمان کنونی بسه کشوری مثل ایران کار دشواری است ولی پیدا کردن و بکار گرفتن عناصر خود فروخته مخصوصاً در لباس و ردای روحانیت، آسان است.

وقتی که خمینی رژیم جهانی خود را بر ایران سایه افکن کرد اعتقاد من برای این بود و هنوز هست - که بدون کمک های گوناگون، مخصوصاً از طرف ممالک غربی، حکومت او بیش از یکسال دوام نمی تواند داشته باشد. امروز همه میداند که ایران گیت فقط با آمریکا ها نبود: اکثر کشورها، حتی چین دور افتاده و ژاپن سوداگر، ضمن محکوم کردن رژیم ضد انسانی خمینی، مستمراً "آنها را قسح تقویت کردند. در فرانسه کفورت، در هامبورگ، در لندن، در زوریخ، در لادن، در مکه با نمایندگان امام جنایت کار مشغول معا مله بودند. از یک طرف دربار سا لوس

حقیر و بی شخصیت و تکه تکه مطلق به بیگانگان، را برای خمینی وعده ای فرصت طلب با زکرد. اگر بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ بجای فرد پرستی و تظاهر به نیروی کاذب، احترام به حقوق مردم و مخصوصاً "حقوق اولیه بشر را ترویج کرده بودیم، گرفتار طوفان سال ۱۳۵۷ نمی شدیم. از تکرار این حقایق هیچ وقت نهرا سید جوانان کشور را آگاه ننمائید.

امروز، داعیه داران ایران مداری در خارج از کشور، اکثر "پا زهمکاران سابق خمینی هستند و با آزائی که روزی بدستوری وارد گود میشوند و روزی به اشرار آزان خارج میگردند. آنقدر هست که اپوزیسیون های فرمایشی یا دستوری، فردا به افرادی تبدیل میشوند که یا سابقه نوکری داشته و یا از این به بعد خواهند داشت. اما، با افرادی که در آنها این استعدادها یافت نمی شود و بیش از چهل سال یک راه و یک روش را پی گیری کرده اند، چه با یکدیگر؟

من بهم خود، راه را برای ایران جز استقرار تدریجی دموکراسی ندارم. در

داخل و خارج بکار هیمن، ولی فکر همان، ایمان همان، هدف همان بوده و خواهد بود.

ما همیشه گفتیم و نوشتیم که در راه مبارزه برای آزادی و بدست آوردن حقوق پایمال شده مردم ایران از هر کس و هر دولت آماده دریافت کمک هستیم. ولی هر کمک مشروط را مردود میدانیم زیرا معتقدیم که:

بهر دستی نیا ید داد دست. مردم ایران میدانند که رژیم کنونی که در جنایت و شقاوت همانندی ندارد، تساحیب بسیار زیادی، نتیجه و مولود رژیم سابق است. ما حق نداریم برای رضای خاطر این و آن، تاریخ ایران را تحریف کنیم. من از تکرار این مطلب خسته نمی شوم که فساد، دیکتاتوری و ناپاکی دست اندران کاران سابق، تا حد زیادی، راه را برای خمینی هموار ساخت. من نمی گویم که تمام مسئولان سابق اشخاص نالایق و نادرستی بودند. ولی جوآن زمان افراد فاسد و بی ایمان را بیشتر از مسئولان وطن دوست و با شهادت تشویق می کرد. بی اعتنائی به قانون، پرورش افراد

بقیه در صفحه ۱۰

به هر وسیله ای است. برای وی هیچ هدفی آنقدر مقدس نیست که نتوان برای رسیدن به آن از وسائل زشت و ناپسند استفاده کرد. و در عین حال هیچ وسیله ای آنقدر زشت و ناپسند نیست که از بکار بستن آن اندیشناک شد.

این همه تباهی و ویرانی و ویرانی و ویرانی با ورکردنی نیست. بی گمان یک طرف معادله درست نیست: یا تباهی یا ویرانی. اما چون همه نشانه ها حکایت از آن دارد که تباهی درست و در واقع بزرگ هم هست، پس باید نتیجه گرفت که آنچه وجود ندارد، همان وجدان است.

و گرنه چگونه کسی راضی می شود برای ادا مه جنگی که به هیچ روی بخت پیروزی در آن وجود ندارد، جان و مال میلیون ها انسان را چنین بی پروا به معنای درست کلمه بر باد دهد؟

این بدنه سنگین نظمی را دیگر نمی توان برای پاهای لاغرا قتمت دادی نگاه داشت. دست زور رژیم در کیسه اندوخته های قشراهی کم در آمدجا معسه، مردمندار را البته نادرستی کند، لیکن کار جنگ را به سامان نمی رساند.

یک محور اساسی تبلیغات جنگی رژیم - در کنار محورهای دیگر - این بود که دنیا دیگر از حکومت عراق دست کشیده است، زیرا این حکومت آینده ای ندارد، ولسی ها شمی رفتنانی در ماحبه اش با روزنامه کیهان، در پاسخ این پرسش که آیا جهان از حکومت عراق ما یوس شده است، می گوید:

"اگر ما یوس بودند، آن مقیدار سرما یه گذاری نمی کردند، هنوز میسند دارند و آثارش را هم شمس در سرما یه گذاری ها یشان مشاهده می کنید."

بدن سنگین بر پاهای لاغر

درواقع اعلان اینکه آیت الله خمینی هزینه ۲۵۰ بسیجی را برعهده گرفته است، نشان دهنده آن بود که حکومت می خواهد برای ادا مه جنگی که به بسن بست رسیده است، به زور از مردم پول بگیرد. آن مقدمه چینی ها فقط برای شروع جلوه دادن زور و جبار بود. در رژیم تهران مشروع آن چیزی است که خمینی بپسندد، و نا مشروع همه آنچه مورد پسند وی نباشد.

چون آیت الله جنگ می خواهد، گردونه تبلیغاتی رژیم برای مشروع جلوه دادن آن بکار افتاده است، چون او خواستار ادا مه جنگ به هر قیمتی است، پس هر قیمتی هم که ملت ایران بسرای آن بپردازد، آنقدر سنگین نیست که بر وجدان وی سنگینی کند. تجا وزهای خمینی به اسلام مشهودت و مکرر تر از آن است که ما در این باره سخنی داشته باشیم. اما حبله خمینی برای مقابله با مخالفانش به هر حال شنیدنی است: اگر این مخالف، مجتهد نباشد که خواهد تا خواه نمی تواند در باب شرعی بودن یا نبودن کارها شکی کند، جدل کند. ولی اگر مجتهد باشد و مجتهدا مع الشرائط هم باشد، و آنگاه در شرعی بودن اعمال و فتوا های خمینی تردید کند، خمینی انگ "آخوند" درباری "بروی می زند. مساله اصلی برای خمینی از میدان راندن وی اعتبار کردن مخالفان خود

جنگ سخن گفت.

و درست بدن دلیل که ظرفیت ادا مه جنگ برای دولت وجود ندارد، دست او گریبان مردم بسیار را گرفته است که بیا یند و از نا شب خود، از خرج بهداشت و درمان و آموزش خود، از هزینه مسکن و پوشاک خود بزنند و آخرین دینارهای پس انداز خود را در راه ادا مه جنگ به باد دهند.

رژیم تهران ظاهراً "مدعی است که شرکت در جهاد ملی اختیاری است، یعنی هر که پولی داشت و دلش خواست بدهد، مختار است، ولی اگر داشت و نخواست بدهد، باز هم مختار است. به عبارت درست تر دولت اسلامی کسی را مجبور به شرکت در جهاد مالی نمی کند، همچنان که در خود دین نیز اجباری وجود ندارد.

اما در اسلام بهروایت خمینی ما هیمن از معنای اولیه و اصلی خود تهی شده اند. شده اند، بلکه معنای کلا" مخالف با اصل خود پیدا کرده اند. به سخنان سردمدار رژیم، ها شمی رفتنانی در ماحبه اش با روزنامه کیهان، توجه کنید، می گوید: " البته ما دلما می خواهد که همه در جهاد شریک بشوند... بنا نداریم که الان دنبال اجبار بریم مگر اینک نشود...". پس داد و طلبی و اختیاری در کار نیست، اجبار محض است، منتها رژیم تهران این حق را انحمارا "برای خود محفوظ نگاه داشته است که زمان بکار بریدن اجبار را خودش تعیین کند.

بقیه از صفحه ۱

البتة همچنان لافزنی می کنند، ولی دیگر وعده های مهلت داده نمی دهند. ها شمی رفتنانی در آخرین ماحبه اش - ماحبه ای که با گروه کیهان انجام داد - گفته است:

استراتژی جدید این است که وقتی مصلحت دیدیم و زمان مناسب را بدست آوردیم، حمله را شروع می کنیم. و هنگامی که حمله را شروع کردیم، به گونه ای خواهد بود که بتوانیم سلسله تهاجمات را، بدون آن که قطع کنیم، ادا مه دهیم.

از این سخنان وی چنین برمی آید که جمهوری اسلامی هنوز مصلحت ندیده است و زمان مناسب را بدست نیاورده است تا به حمله های زنجیره ای بی گسست دست بزند. از این سخنان وی چنین برمی آید که گوئی جنگ در هفتمین سال خود نیست، بلکه تازه آغاز شده است.

ها شمی رفتنانی در همین ماحبه می گوید: " ظرفیت ادا مه جنگ بطور کامل وجود ندارد"، ولی گوئی که این گفته خود را فراموش کرده باشد، اندکی بعد می افزاید: " امکانات مالی دولت همین است که هر سال بودجه کشور را مقصداری کسری تصویب می شود، این امکانات فعلی دولتی ما است."

وی چنان از "مقداری کسری بودجه" سخن می گوید که انگار دولت فقط مقصدار نا قابلی کسری بودجه دارد، انگار که کسری بودجه دولت، هر سال سربه میلیاردها تومان نمی زند، سختگوی شورای عالی دفاع فراموش می کند که با این کسری بودجه و در حالی که دولت دیگر امکانات تازه ای ندارد که در راه جنگ صرف کند، دیگر نمی توان از " ظرفیت کامل" ادا مه

اراده مبارک امام

بقیه از صفحه ۱

وزیر خود را طلبید و گفت فرمائی برای فلان کس بنویس که از امروز ما مجمعها اصلاحی نخواهیم بود. وزیر گفت اگر اراده مبارک برتعمیر ما مجمعها را گرفته است لااقل اجازه بفرمائید این مقام به شخص حاشیای صلاحیت تفویض شود.

محمود پرسید عیب این شخص چیست؟ وزیر گفت سواد ندارد. گفت مشکلی در کار نیست، یک فرمان سواد هم بسرای او بنویس!

فرمان اخیر حضرت امام خمینی در مورد " شروط الزامی" یکی از همان نوع فرامین است که مشکل شرع و عرف و مقررات و قوانین و احکام و مواظبت را در رابطه بین دولت و مردم یکجا حل میکند.

آقای سرحدی زاده وزیر کار جمهوری اسلامی، نامه‌هایی به محضر مبارک حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی نوشته و استفتاء کرده بود که آیا میتوان برای واحدهای صنعتی و کارگری کسبه از امکانات و خدمات دولتی مانند برق، تلفن، سوخت، مواد اولیه، ارز، بنسدر، جاده، سیستم‌های و سیستم‌های تکمیلی استفاده میکنند "شرایط الزامی" برقرار کرد.

حضرت امام در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ماه پاسخ داده اند: " بسمه تعالی - در هر دو صورت چه گذشته و چه حال، دولت میتواند شروط الزامی را مقرر نماید!"

" شروط الزامی" یعنی چه؟ به زبان خیلی ساده یعنی این کسبه دولت میتواند در حق استغادهای برق و تلفن و پست و تلگراف و جاده و فرودگاه و ارز و مواد اولیه و سیستم‌های و بنا تکمیلی را برای بنگاههای اقتصادی و صنعتی و حتی دکاکین و مغازه‌ها منوط به یک تعهدی قید و شرط و نامحدود بکنند و بگویند در قبال این خدمات، اشخاص ملتزمند آنچه را دولت میگوید و میخواهد، بی چون و چرا بپذیرند.

حضرت امام مرقوم فرموده اند: " در هر دو صورت چه گذشته و چه حال ... مقصود این است که "الزام" از امروز آغاز نمیشود و چنین نیست که بعد از این، هر کس تقاضای انشعاب برق بدهد به او بگویند برق میدهم بشرط آن که فلان تعهد را قبول کنی، خیر! این قانونی است که عطف بزمان سابق میشود و عقدی است که احتیاج به صیغه ندارد.

پس از آن که فرمان مبارک امام در باره استعلام وزارت کار و شرف صدور با نخواست آقای وزیر کار و متعاقباً آقای نخست وزیر مدعی شدند فرمان امام، حتی از نظر موضوعی هم عمومیت دارد و نه فقط در مورد قانون کار، بلکه در هر مورد دیگری دولت میتواند به استناد آن عمل کند. شورای نگهبان که مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی موظف است مواظبت را بکشد و مواظبت با شد در کشور اسلامی سرسوزنی از احکام شرع و اصول قانون اساسی

تخلف نشود، حیرت زده‌ها مه‌یی به محضر مبارک حضرت امام معروض داشت و بر حسب سابقه، لابد منتظر بود جوابی دوپهلوی از ناحیه امام دریافت کنند که نه سیخ بسوزد و نه کباب. اما پاسخ امام، این بار هیچ شباهتی با پاسخ‌های سابق ایشان در موارد مشابه نداشت. مرقوم فرمودند: استنباط دولت صحیح است، شرایط الزامی محدود به مورد خاصی نیست. دولت در تمام موارد در تمام مسائل میتواند آن را مستند تصمیمات و اقدامات خود قرار دهد!

حالا نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی بروند تا دلشان میخواهد در لایحه دولت بحث کنند که کدام ماده را باید حذف یا اضافه کنند، کدام ماده را باید برداشته و فقهای شورای نگهبان هم مختارند هر چه بیشتر ذره بین را روی مصوبات مجلس شورای اسلامی بچرخانند تا ببینند کجایش مغایرتی با اصول اساسی و کجایش با شرع انور است!

سلطان محمد فتح وقتی قسطنطنیه را در محاصره گرفته بود جاسوسی به داخل شهر فرستاد که برای او خبر بیاورد، جاسوس رفت و خبر آورد که در شهر هیچ خبری

بقیه از صفحه ۱

آب و تاب، آن هم درست همزمان با تجدید و صیقلی‌شدن معنی، معنای خاصی می‌گیرد، بویژه اینکه بدون تأکید یا اناره! احمد خمینی که عملاً سرپرستی دوروزنامه، کیهان و اطلاعات را بر عهده دارد، چنین مصاحبه‌ای صورت نمی‌گرفت تصویرهایی که از فرسنگانی در متن مصاحبه چاپ شده است، خواه ناخواه جلب توجه می‌کند. حالات صورت و دست‌ها به گونه‌ای است که در بیننده تصویر سیاه سیاه اندازی بخته، دوراندیش، سلط و دارای حضور ذهن را القا کند.

چنین چهره‌سازی‌ای از فرسنگانی به وسیله روزنامه، کیهان تنها بدین منظور نیست که نشان داده شود برای دگرگون شدن از روزه‌خوان دیروز به سیاستمدار امروز راهی دراز پیموده است؛ بلکه در عین حال این تلاش نیز صورت می‌پذیرد تا به ایرانیان و جهان‌نیان نشان دهد که مرد نیرومند رژیم اسلامی همچنان هاشمی فرسنگانی است و اوست که پس از مردن خمینی محسنه، سیاسی را زیر تسلط خود خواهد گرفت.

بیش در آمدی که "کیهان" بر مصاحبه نوشته است نیز درخور توجه است بعضاً چنین می‌خوانیم: از سر تعوی دیدار آمده ایم، نه تنها برای مصاحبه، نذر سور و روی دیدار راجع به ساعت پیش از دیدار در باره سیاست‌کاسته بودیم... از انتهای خیابان فردوسی تا مجلس همه چیز سوی سیاست می‌داد... دور تا دور اتاق بیست متری دفتر ایشان که در روی عطرملایم گل محمدی ساور بود، آناه، تدیمی و رنگ و روخته حیده شده بود... آقای هاشمی در فاصله‌های کوتاه

نیست الا آن که دو گروه از کشیش‌ها در کلیسای بزرگ "سنت سوفی" مجادله دارند. یک دسته میگویند قضیه معراج، جسمنا سوتی مسیح بود که به آسمان عروج کرد و دسته دیگر معتقدند جسم لاهوتی او بود. روز بعد، سلطان محمد فرمانده توپچیان سیاه خود را طلبید و گفت میخواهم گنبد سنت سوفی را نشانها نکنی و چنان بزنی که ناسوت و لاهوتش یکجا به آسمان برود!

با فرمان اخیر، حضرت امام خمینی لاهوت و ناسوت را یکجا نشانها گرفت، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، بموجب این فرمان هر دو، سکه یک پول میشوند و احکام شرعی همان قدر میتوانند دولت را محدود کنند که مقررات قانونی. حکومتی که امام خمینی تاسیس کرده است هیچگاه یک حکومت قانونگرا نبود.

انقلاب اسلامی اصولاً حرکتی بود برای پایداری دادن به حاکمیت قانون و جابجایی کردن آثار انقلاب مشروطه. این رادار گرما گرم انقلاب خیلی‌ها نخواهند قبول کنند ولی بعد از "پیروزی ۲۲ بهمن" که حضرت امام شیفتگی خود را به آراء و افکار شیخ فضل الله نوری علنی کرد دیگر جای تردید و انکار نماند.

از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ایران با "انقلاب مشروطه" وداع کرد و در مسیر "انقلاب مشروطه" افتاد در حالی که اکنون معلوم میشود "مشروطه" نیز چندان با مسزاج آیت الله خمینی سازگار نیست. استناد

به جمع ما حتم می‌دور، با نگاه‌های پرسنگر، لبخندی پرمعنی، چهره باطلت و آسنا... گوشتی در اتاق، ارگستر ۲۰ میلیونی دارد سرود فتح و پیروزی سر می‌دهد... موسیقی کلام... ارزش‌های واقعی و پرمفهوم خود را در چهره رئیس مجلس پیدا می‌کند... هوشمندی، صراحت، فراست او را در جواب‌هایی می‌توان دید که مرزهای تخیل و تفکر را درهم می‌ریزد... سیاست را در این اتاق ۲۰ متری می‌توان معنی کرد، جدی، عمیق، اساسی... نویسنده، بیش در آمد مصاحبه، پس از آن که این جابجایی‌های دل‌بهم‌زننده را از فرسنگانی بعمل آورد، وارد مستنن مصاحبه می‌شود و فرسنگانی همان است که بود: همان دروغ‌ها، همان لاف‌زنی‌ها، همان برده‌بوشی‌ها، همان وارثان از فرط تکرار شده‌ها.

در جمهوری اسلامی تعلق ابعدی یافته است که با بدترین روزگار در تاریخ ایران قابل مقایسه است. ولی تاکنون تعلق‌های بزرگ فقط به خمینی و دربارها، خمینی گفته می‌شد، حال آنکه این بار مهمترین روزنامه، رژیم دارچهره، کسی دیگر را می‌آراید، غرض بی‌کمان این است که با بزرگ کردن و آراستن این چهره، دیگران در سبب قرار گیرند و کمربند بنمایند.

سیاستمدار فیلسوف، ادیب و سخنور جدی اما در عین حال طناز و زود لغزیب -

به شرع و مقررات شرعی تا جایی بسرای آیت الله صرف داشت که میتوانست در جهت قانون زدایی و متزلزل کردن نهادهای قانونی مفید واقع شود. حال که مجلس قانونگذاری به دلگشا نه‌یی تبدیل شده و برای قوانین زمینی اعتباری باقی نمانده است دیگر چرا باید حکومت گرفتار مقررات دست و پاگیر شرعی باشد و ناساز و ادای آخوندها و اعضای شورای نگهبان را تحمل کند؟ قانون یعنی اراده مبارک حضرت امام، هما نظر که لوئی چهاردهم نیز میگفت دولت یعنی من!



هم‌میهنان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار میدهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

مردی گفت پیرا: چه کنم که خلاصی به ریح اندرم از این که به زبانت من می‌آیند و اوقات مرا از درد اینان تشویش می‌یابد. گفت هر چه دروینا بند، مرا اینان را وامی‌دهد و آنچه توانا کنانند، از اینان چیزی نخواه که دیگر کردت و نگرند. سعدی - گلستان

سیاستمدار فیلسوف

اینها محاسنی است که وجود آیت الله رفسنجانی، به تعبیر روزنامه، کیهان، بدانها آراسته است. وی در این مصاحبه با صد هزار جله بیرون می‌آید، چنان که می‌تواند حتی ما به رشک خمینی شود.

وقتی خمینی می‌تواند رفسنجانی را رشک برد، تکلیف منتظری و خامنه‌ای و دیگران خود به خود روشن است. این چهره آراشی نشان می‌دهد که رفسنجانی در موقعیت چندان استواری قرار ندارد. به همین دلیل خطر آن را پذیرفته است که موضوع تملقی چنین می‌آید که می‌تواند از شرم خیس عرق سازد.

این مصاحبه بی‌کمان پس از زبانی رفسنجانی جواز چاپ یافته است. معنایش این است که وی آگاهانه به استقبالی خطرناک رفتاری است که در چنین تملقی کوشی‌هایی وجود دارد. معمولاً انسان در دو حالت خطر می‌کند: یکی اینکه چیزی ندادارد دست بدهد، دیگری آن که بسپاری چیزها را ممکن است از دست بدهد. در مورد رفسنجانی مسلماً این حالت دوم صادق است.

حساب او این است که اگر پیش از سرک خمینی میخ خود را محکم نکند، دیگر هرگز نمی‌تواند بکوبد. او شتاب زده است، و معمولاً آدم‌های شتاب زده بیشترین و بزرگترین اشتباه‌ها را می‌کنند.

پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار به ملت ایران!

(بمناسبت سالروز ۱۶ دیماه ۱۳۵۷)

بقیه از صفحه ۳

وریا رژیم آخوندی را محکوم می کردند و از طرف دیگر هر یک بصورت ونحوی با آن مشغول دادوستد بودند.

پس از آشکار شدن اعمال و رفتار خمینی، بداندیشان خارجی بفرمتاس با روحانیون به اصطلاح معتدل افتادند و هر کشوری با یکی از خویش عمامه بشروع به راز و نیاز کرد.

نهضت مقاومت ملی مفتخر است که از همان روز اول مخالفت آشتی ناپذیر خود را - ضمن نغی لفظ آخوند معتدل - با هر نوع حکومتی که از بطن حکومت فعلی در آید و یا حکومتی که موضوع جدایی مذهبی است سیاست را بطور روشن و قاطع تصریح نکند، ابراز نمود. البته احترام به ادیان از معتقدات ماست ولی اجازت دخالت آخوند در امور سیاسی، تیر خلاص استعما در قلب ملی گرائی خواهد بود و کشور ما تا زمانی که این مسئله را حل نکند، امکان دستیابی به یک دموکراسی را نخواهد داشت.

مسئله اساسی داشتن رژیم مشروطه یا رژیم جمهوری نیست. مهم برای ما، فشاری برای حاکمیت ملت است. وقتی ملتی بر سرنوشت خود حاکم شد، دموکراسی و حکومت قانون گسترش خواهد یافت و راه یک فرد یا یک گروه خودکام نخواهد توانست که سرنوشت کشور را از مسیر خود خارج نماید. همه میدانیم که عده ای در ایران و در خارج کشور سعی میکنند که دموکراسی را - اقلابا - برای ایران - غیر ممکن و برخلاف فرهنگ و سنن ملی معرفی کنند. برای این قوم با پیداول روشن کرد که دموکراسی با حکومت ضعیف و بی بندوبار فرستگ ها فاصله دارد. در ثانی چه دولتی را سراغ دارید که بدون دموکراسی - یعنی حکومت قانون - در ۲۳ یا ۳۴ قرن اخیر به ثروت، امنیت، آزادی و استقلال راه یافته باشد؟ درست است که در هیچ کشوری دموکراسی به سرعت استقرار و مخصوصا "انسان نیافته است. ولی ما معتقد هستیم که از همان روز اول، پس از برانداختن، باید در حسدود امکان شروع به پیاپی کردن اصول دموکراسی کرد و بدون دولتی، با ایمان و اخلاص، این راه را ادامه داد. راهی جز این برای سرفرازی، آسایش و پیشرفت وجود ندارد. دموکراسی صد البته رژیم هرج و مرج نیست ولی به آنها می که خود هرج و مرج برپا میکنند و به دستور بیگانگان رژیم های ملی و مردمی را سرنگون

جامعه جهانی حقوق بشر

جلسه شانزدهم ویرنا مریزی با جا معه جهانی حقوق بشر بنا بدعوت قبلی جا معه جهانی حقوق بشر در روز شنبه هفتم اکتبر سال جاری اعضا کمیته اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران در آلمان با مسئولان جا معه فوق الذکر در بخش ایران ملاقات و مذاکره داشتند.

بودجه مرگ

بقیه از صفحه ۱

نخست وزیر اسلامی، برای آنکه این رقم بسیار سنگین هزینه جنگی را موجه نشان دهد، در مصاحبه ای بدروغ های ناخدا را متوسل شده، گفته است که جمهوری اسلامی در صنعت تسلیحاتی چنان بیسرفرت کرده است که زبرداری و هوا نیما ی شکاری نیز می سازد. همزمان ندن این دروغ با ارائه لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی تصادفی نبود و نیست - همچنان که تصادفی نبود و نیست که مقارن با ارائه لایحه بودجه، دولت از خمینی فتوا گرفته است که می تواند شرط الزامی برقرار کند. به هر حال لایحه بودجه هنگامی که مجلس داده می شود که مجلس را بنا دستگیری برخی نمایندگان و بستن دهان برخی دیگر موعوب کرده اند، با گرفتن فتوا های از خمینی اختیارات قانونی شورای نگهبان را محدود کرده اند. دولت میرحسین موسوی امیدوار است بودجه سال ۶۷ را آسان ترویی در دسترس راز بودجه های سالهای گذشته از تصویب مجلس بگذراند.

می دانیم که در وقت طرح لایحه بودجه، نمایندگان حق دارند درباره جز جز سیاست دولت، که بودجه آئینه مالی آن است، به بحث و اظهار نظر بپردازند. نیز می دانیم که دولت میرحسین موسوی در حال حاضر از هیچ چیز بیشتر از یک بحث آزادانه ندارد. می گوید وضع اضطراری است و شرایط الزامی را ایجاد کرده است و بهتر آن که نمایندگان مجلس، که امام بعضا "آنان ناراضی است، دولتی را که امام همواره آن راضی است، آسوده بگذراند.

این خواست دولت است، بیست و نهمین نمایندگان چه واکنشی نشان خواهند داد، باید منتظر شد. اما آنجا که جنگ مسا له اطلی کشور است و نمایندگان مجلس اگر حق بحث در باره همه چیز را داشته باشند، به هیچ روی حق بحث درباره اطلی تشریح مسا له کشور یعنی جنگ را ندارند. طرح برش درباره ضرورت و هدف جنگ خود را به عنوان وظیفه ای ملی هر چه جا دسترو الزام آورتر نشان می دهد.

جنگ از ملت ایران چه می گیرد؟ جنگ به از آنجا زملت ایران می گیرد، به او چه می دهد؟ جنگ بیس از زیمی از درآمد کشور را می گیرد، در عوض هیچ چیز به آن نمی افزاید. هزینه ای که در راه آن می

است با حضور ستمداران طسرا زاول آلمانی، طرفدار حقوق بشر، نمایندگان مطبوعات و سایر شخصیت های اجتماعی و فرهنگی آلمان جلسه (Hearing) راجع به وضع حقوق بشر در ایران برگزار کرده. برای اجرای این امر مهم به کمک های معنوی و مادی ایران نیان وطن پرست نیاز می باشد. با توجه به مراتب بسیار لا مجریان برنا مه تقاضا می کنند لطفاً "هر نوع پیشنهادی دویا مدارکی از نقض حقوق بشر در ایران در دست دارید به آدرس نهضت مقاومت ملی ایران - شاخه آلمان و کمک مالی خود را به حساب

شود. هزینه ای است که در اصطلاح اقتصاد آن را "هزینه مرده" می نامند. اگر کشوری برای آموزش و ترویج، بهداشت، راه سازی، توسعه صنعتی و تقویت تاسیسات زیر بنایی خود هزینه ای را بپذیرد، این هزینه دیرباز زودوارها های کوتاه کون حاصل خود را برای ملت خواهد آورد، ولی جنگ هیچ حاصلی ندارد. کاس فقط هیچ حاصلی ندارد، ولی چنین نیست: جنگ مرگ و نیستی و ویرانی و آوارگی و فقر و بیماری می آورد.

جنگ فرزندان میهن ما را از پدران و مادران می گیرد، اندوه و ماتم و سوگوار می به آنان می دهد. در آملی کشور را می بلعد، فقر و فلاکت و بازاریا به بیارمی آورد. توسعه اقتصاد را دچار توقف می گرداند، بیکاری و درستی به بیارمی آورد. شهرها را ویران و روستاها را از جمعیت فعال تهی می کند، بسیاری سلاحهای مرگبار را خوراک فرا هم می آورد، زنان را بیوه، خردسالان را یتیم می کند. آئین پرست مرگ را روح می دهد و رگهای مردم را زخون جوان زندگی تهی می سازد.

اگر جنگ، چنان که خمینی مدعی است، برکت می آورد، پس چرا وی به هیچکس حق نمی دهد که درباره ضرورت یا عدم ضرورت آن بحث کند؟ چرا نمی گذارد مردم آزادانه بپرسند که در این هفت سال و اندی، جنگ به ملت جز مرگ و آوارگی و معلولی و ویرانی چه داد؟ چرا نمی گذارد به صدای بلند گفته شود که جنگ در صورتی که آدامه یابد، جز این که در این هفت سال و اندی به ملت داد، چیز دیگری نمی تواند بدهد؟

جنگ به یک کارخانه بزرگ دروغ سازی هم نیا زدارد که طبق همه شواهد تنها کارخانه ای است که در ایران امروز با ظرفیت تمام کار می کند. مسئولان رژیم اسلامی اگر چه خود را دربار لبردن تولید همه رشته های صنعتی نالایق نشان داده اند، لیکن درباره لانکا هدا شتن تولید کارخانه دروغ سازی الحق که بسسار کوشیده اند و کامیاب نیز بوده اند.

با نکی زیرک برای این منظور از طرف جا معه جهانی حقوق بشر با زنده است، ارسال دارید. آدرس بانکی جا معه جهانی حقوق بشر: I.G.F.M. Deutsche Bank in Frankfurt KONTONr. 4952031 BLZ: 50070010 Kennwort Iran آدرس نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان

M.R.N.I. Postfach 121007 8000 Munchen 12 W. Germany

بوزینه آواره

بقیه از صفحه ۵

آدمی که صنایع گریش آمده، اینطور گوش بفرمان و سخا و تمنای نه بذل و بخشش می کند، اگر یک عبا سی دستش بیاید و بر او بر و اگر سه عبا سی سه برابر تقدیم می کند و اگر زاین بشود، بقدر وسع زاین ...

اما دربارۀ مطلب دوم، یعنی ضرورت اتحاد و اتفاق، حتی با "یاران بی گناه شهر" برای نجات کشور بنده یک نفر، سخت مخالفم. نه اینکه آزوی نجات کشور را نداشته باشم بلکه دقیقاً "بعلست" اینکۀ آزوی را دارم، مخالفم.

مسئله دوم صورت دارد: یا آقایان - آقای ع. معرفت و معتقدان ضرورت اتحاد و اتفاق به هر قیمت - اطلاع دارند که آمریکا و متحدان غربی اش دو بیست سیصد لشکر مجهز به پیشرفته ترین سلاح های جنگی آما ده کرده اند که خمینی و رژیمش را منکوب و خراج کنند و ما، مجری، را با سلام و صلوات بپوشانند و آنها را بر سر عزت و شوکت بنشانند که در این صورت بد نیست به ما هم خبر بدهند تا جوش زبانی نزنیم و دست روی دست منتظر نروستیم.

و یا چنین لشکریانی آما ده نیست و توقع این است که ملت ایران با بیای ما، قیام کنند و ریشه خمینی و رژیم سلاها را بزنند.

اگر اعتقاد بر این صورت دوم قرار دارد، آیا ملت ایران را - با عرض پوزش - خرد تصور کرده اند؟

هیچ حرفی نیست که امروز جان مردم فریب خورده و دنبال خمینی رفتند ایران، از جنگ و اختناق و قحطی و هزار مصیبت دیگر حکومت آخوندی واقعاً به لب رسیده است و آما ده اند برای زندگی به نوع دیگری، تا مرز فداکاری بروند. ولی بیایند و همان جا به لب رسیده را به خطر بینند و زندگی همان کسانی را که از شرشان به آخوند پناه بردند، دوباره بر مستدریاست بنشانند برای زدن ریشه حکومت آخوندی دست در دست یاران بسی گنه شهر بگذارند؟ خامعی هم حسی دارد!

برای یک لحظه تصور بفرمائید مردم ایران را که بالای دروازه مملکت، دور بیست به دست، در انتظار رسیدن قوای مهاجرین هستند تا به دلگرمی آنها سربیه طغیان بر دارند. ناگهان در میان گردوغباری که از دور بلند شده، بین جمع چهره های آشنا را تشخیص میدهند:

- این کیه؟ همان تیمساری است که سی سال برای روز مبادا به نا زونعت پرورده شد و در آن روز مبادا، مفاش را پسای اعلامیه خفت ارتش گذاشت و با ثروت بی حساب به سواحل عافیت گریخت - این کیه؟ همان که در نماز ترازی - کمیک "اقلیت - اکثریت" در مجلس رل اکثریت را بازی میکرد - این کیه؟ همان کسی که انحصاراً ردا ت گشت کشور را قبضه کرده بود و گوشت فاسد استرالیایی را بجای مصرف در زراعت، بخورد مردم میداد - این

کیه؟ همان کسی که در اوقاف ماء موریست داشت سالی چند صد میلیون از بودجه مملکت را به کیسه گشا آخوندها بریزد که به دعا گوئی مشغول باشند - این کیه؟ همان وزیر دادگستری است که در دوران وزارتش یک را ننده سا واک روز روشن پیری را پیش چشم ما در با گلوله کشت و وا و نفسش در نیامد - این کیه؟ معاون سا واک که ۹ جوان را بالای تپه اوین تیرباران کرد و داد روزنا مه ها نوشتند که آنها حین فرا رکشته شدند - این کیه؟ همان کسی که لایحه مصونیت قضائی سربازان امریکائی را به تصویب کارمندان مجلس رساند - این کیه؟ همان که روزنا مه ها را بضر چماق سا واک سا نسور میکرد - این کیه؟ دبیر کل حزب "یا سه اصل یا گذرنا مه" - این کیه؟ همان ... - این کیه؟ همان ...

و فکر کنید که دستگا تبلیغاتی آخوندی چه جشن و سرور و عیش و عشرتی می کند! تسوی سا زورنا میزند که ایها الناس، ببینید چه کسانیه نجات شما کمر بسته اند! همان عقرب ها ئی که شما از شرشان به ما، مار غاشیه، پناه آوردید! اگر قرا راست مالتان را بخورند و توی سرتان بزنند، بگذارید ما، سیدا و لاد پیغمبر، بخوریم و بزنیم که لا اقل ما من آخرتتان باشیم!

نه، مطمئن باشید که مردم ایران ننه آن موجودی هستند که، با کمال جسارت و بی ادبی بحکم جبار، عرض کردم و نه فراموشکار، نه تنها دروازه را بروی از راه رسیده ها با زنی کنند بلکه با چوب و چماق تا آخر دنیا دنیا لشان می کنند و حسابی را که نتوانستند در پایان سال ۵۷ با "یاران بی گناه شهر" تسویه کنند، با کل جمعیت تسویه خواهند کرد.

اتحاد و اتفاق با "یاران"، از قضا تنها چیزی است که از آن با ی دست پر هیسز کرد. کسی نمی گوید که "یاران" کاری نکنند و یا الی الایدها جرم میمیدار و غربت بمانند. هیچ کس حق ندارد جلوی آنها را بگیرد. مسلمان میتوانند مثل هرا ایرانی - اگر دلشان بخواد - به مملکتشان بر گردند و اگر حساب و کتابی در میان بیاید پای خودشان خواهد بود. ولسی اصلح این است که در مرحله فعلی خود را جلوی جمعیت نیندازند و به همان رویه چند ساله اول مهاجرت، که هیچ آفتابیی نمی شدند، آما مه بدهند. شاید بهر حال امروز ما ن کار خود را بکنند و قوس های ۲۵ ساله آنها زخا ط مردم برود.

تا اینجا جواب مختصری بود به دو مطلب اساسی آقای ع. معرفت. اما ایشان مطلب فرعی دیگری را هم عنوان کرده اند که مستقیماً "به بنده مربوط میشود. می نویسند: " شما که می نویسید کارمند و دبیر بوده اید و صاحب دیپلمی هستید آیا هیچ وقت از خودتان سؤال کرده اید که مدرسه و خودتان کتابخانه و آزما یشگا هودا نشگا هرا چه کسی برای شما فراهم کرد و اگر یک نسل زودتر به دنیا آمده بودید آیا چنین امکاناتی در دسترستان بود؟" و بعد مقایسه ای از زندگی در سالهای آخر قاجاریه با زندگی ایران امروز، از نظر پیشرفت های صنعتی و داشتن راه آهن و

فواد روحانی

زندگی سیاسی مصدق

در متن نهضت ملی ایران



۶۱۴ صفحه

بها: ۶۰ فرانک فرانسه یا معادل آن با ضافه هزینه پست - برای اروپا: هواشی ۲۰ فرانک فرانسه زمینی ۱۰ فرانک "

برق و آب لوله کشی و تلویزیون و هواپیما و غیره - کرده اند و با لحن ناسزا و آری، به بنده تندی فرموده اند که چرا اینقدر ناسپاس و حتی "نمک خور و نمکدان شکن" هستم و در این مقوله شعری هم آورده اند:

سگی را القمه ای هرگز فراموش نگردد گزنی صدوبنش سنگ و گز عمری نوازی سفله ای را به کمتر چیزی آید با تودرجنگ

و در پایان، برای خالی کردن آخربین دق دل خود، به بنده لقب "بوزینه آواره" داده اند.

بنده از لقب میگذرم. آدمیا بوزینه، بهر حال آواره هستم و گناها آوارگی را به با نیا ن آن به آسانی نمی بخشم. همینطور از گوشه و کنا به های "سفله" و "کمتر چیز" که در متن شعرا آمده است و نباید به دل گرفت، میگذرم.

اما دو نکته را درست متوجه نشدم. یکی اینکه اگر بنده، مثل آباء و اجدادم، در مملکت ایران به دنیا آمده ام و بزرگ شده ام و درس خوانده ام، جز به پدر و مادرم نسبت به چه کسی باید حق نمک بجای - آوردم و سپاس گذاری میکردم؟ مگر اینکه بگویم چون اجازت دادند در مملکت خودم زنده بمانم و تیرباران نم نکردند، با یسد قدر دانی کنم.

دیگر اینکه اگر ما امروز، در او خرق سرن بیستم، مدرسه و دانشگاه و تلویزیون و هواپیما داریم از برکت تحول و پیشرفت زمان است. بنده بدون اینکه خواسته باشم کوشش ها ئی که در راه صنعتی شدن مملکت بعمل آمدند انکار کنم، عرض میکنم که امروزه عقب افتاده ترین کشورهای آفریقا ئی هم چیزهای مورد بحث را دارند. امروز، کشور "اوگاندا" هم، که سالها تحت ریاست "عیدی امین دادا" بی ادخوار اداره میشد، صاحب راه آهن و تلویزیون و هواپیما ئی است و پاپیتخت آن، "گامبالا" دانشگاه و برق و آب لوله کشی دارد. مضافاً "یه اینکه شهرکامپالا فا غالب هم دارد که تهران ما ندارد.

آواره محفوظ الامضا

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴ فرانک فرانسه -

شش ماه ۱۲ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی: Nom نام: Prénom آدرس: Adresse

ما بیلیم نشریه، قیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب پستی نشریه ... حواله شد. تبریک رسید به ضمیمه ارسال می گردد. تاریخ امضا

QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN Crédit du Nord 78 Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200 شماره حساب بانکی:

توجه لازم

شما در اینجا به اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه ها ئی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

بقیه "محبت های نوظهور"

آنچه که برای ما واقعیت ها چشم بسته اند یا مغرضند و یا به نا رسا شیهای روانی مبتلایند و آن ها ئی هم که بتلاش برای زایاندن طفلی سربراه از این رحم جرمین ادعا کرده اند، از این دو گروه بیرون نیستند و در حال درج گاه های سیاست ها ئی که تنها دخل امروزت فردا ئی را تا مین میکنند، نه فقط گرهی از کنار خود نمی گشاید بلکه در پایان راه با دیوانه های نظیر خالق کوره های آدم سوزی ملاقات خواهد کرد و کسیت که ندا نند آن دیوانه هم مولود توهمی بود که با نقس "نا دزهر بلوسم" بسیاری را به شادی و بسبباری را بخواب مستی کشیدند و آن فاجعه ای دنیا گیر را به بشریت تحمیل کرد.

آیا نظری به فراتر بر آنچه در غره و ساحل غربی اردن و بیت المقدس میگذرد و سبزگاشی در قضاوت ملت ایران - قضاوت ملتی که همیشه از "بغض بی جهت" کریخته است و آبا ناء ملل در این واقعیت که با داروهای مسکن، دفع بیماری میسر نیست ... به منطبق طراحت سیاسی اسرائیل راه جسته است؟ - جواب را تنها با پیدا زحوا دت آبنده خواست، برگرفته ها در این روزگار اعتمادی نیست.

بقیه از صفحه ۱

خسته و کوفته به رختخواب رفت و چون زن خود را برهنه در انتظار یافت بها و گفت: بیپوش! زن در حالی که لباس برتن می کرد سری تکان داد و گفت: نفهمیدیم چرا کندیم چرا می پوشیم! همین چند ماه پیش بود که حجت الاسلام رفسنجانی و حجت الاسلام خا منه ای عریضه به محض نام نوشتند و استدعا کردند محض خیر و صلاح امت اجازه بفرمایند حزب جمهوری اسلامی تعطیل شود.

بها اعلام موافقت حضرت امام، حزب جمهوری اسلامی، یعنی تنها حزبی که بحالست نیمه جان در رژیم کنونی باقی مانده بود بساطش برچیده شود میدانیم که یکی از دلایل تعطیل حزب جمهوری اسلامی نزدیک شدن موعد انتخابات بود.

بعد از چند ماه، اکنون می شنویم که قائم مقام رهبری میفرماید:

" بنظر من باید در چارچوب نظام و اسلام و انقلاب اجازه تشکیل و فعالیت احزاب داده شود تا هر کس حرفی و یا پیشنهادی و یا طرحی در هر مورد از امور کشور و انقلاب دارد، در محدوده حفظ انقلاب و مقام رهبری و نظام بتواند طبق مقررات و ضوابط قانونی مستقلاً حزب و جمعیت تشکیل بدهد و بطور آزاد حرفش را بزند... اگر باین شکل احزاب درست شود بیقین انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی هم با شور و نشاط و استقبال عمومی برگزار خواهد شد!"

ما نفهمیدیم حزب، وجودش برای مملکت مفید است یا مضر، اگر مفید است چرا برچیدند، اگر مضر است چرا میخواستند دوباره داشته باشند؟

درین چند ماه چه تحول مهمی رخ داده و چه شرایط تازه بی پیش آمده است که ایجاب میکند بعد از آن همه سروصدا و نطق و خطابه در لزوم برچیدن حزب، ناگهان و خوب فعالیت های حزبی احساس شود و دکانی را که با تجویز مقام رهبری بسته شده بود از نو، با توصیه قائم مقام رهبری بگشایند؟

گو آن که چنین سوءالیه در جمهوری اسلامی منحصر "ناظر بر قضیه حزب نمیشود، هرگاه پای این قبیل سوءالات پیش آید از جاهای بالاتر باید شروع کرد، مثلاً از وصیت نامه حضرت امام.

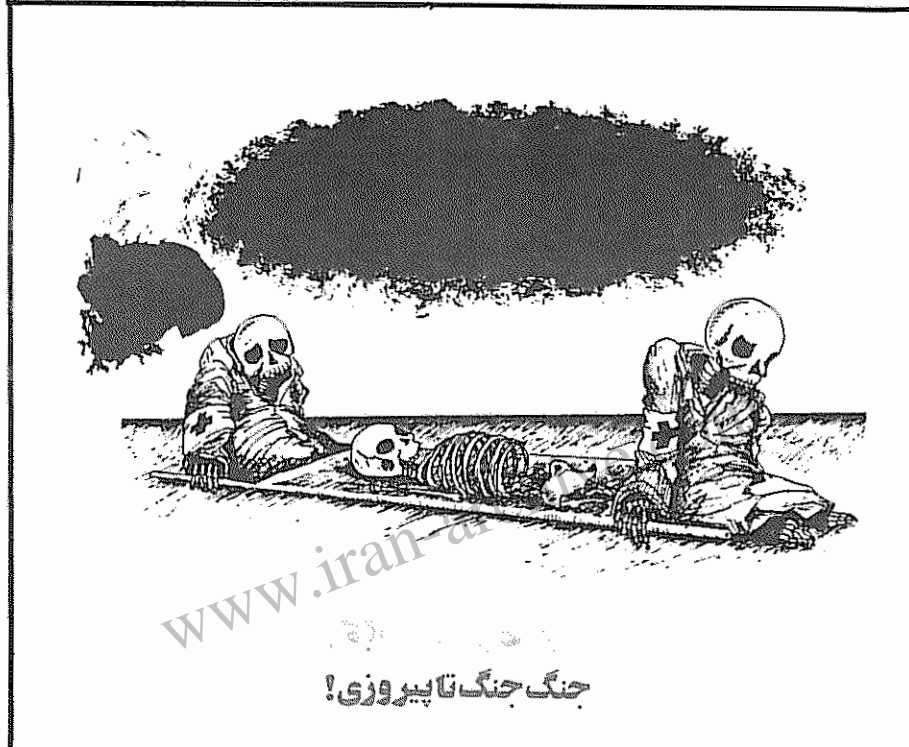
حضرت امام، در جریان تشریفات کسسه شرحش بنظر تان رسیده است، وصیت نامه خود را تغییر داد و محض احتیاط، این بار وصیت نامه را در دو نسخه نوشت و یک نسخه از آن در آستان قدس رضوی به ودیعت گذاشته شد.

همه گنجگا بودند که بداند حضرت امام در وصیت نامه جدید خود چه نوشته است و کمتر کسی پرسید وصیت نامه بی که پنج سال پیش تنظیم شده بود چرا باید تغییر کند. اگر این وصیت نامه جنبه خصوصی داشت چنین سوءالیه مطرح نبود، هر کسی تا زنده است حق دارد در محدوده مشاغل شخصی، با رها وصیت نامه بنویسد و بنا به مصلحتی آن را عوض کند، اما وصیت نامه آقای خینی ظاهراً یک وصیت نامه خصوصی نیست، خود ایشان آن را "وصیت نامه سیاسی - الهی" نامیده است و

سرازنو، بازی از نو!

رضا شاه تشکیل شده بود مرحوم تیمورتاش بحث حزب را پیش می کشد و مثال های بی از کشورهای خارجی، منجمله ترکیه، می آورد که مزایای وجود احزاب را تفهیم کنند. رضا شاه میگوید هر کشوری "سیستم" خود را دارد، در اینجا سیستم من حاکم است و مزاج این سیستم با حزب سازگار نیست!

معمولاً یک رهبر سیاسی یا مذهبی وقتی وصیت نامه عمومی و کلی مینویسد این وصیت نامه چکیده نظریات اصولی و اجتماعی و باصلاح "دکترین" اوست، چنین وصیت نامه ای اگر جاودانه نباشد دست کم باید شامل بر مسائل مورد بتلای قوم و کشور در زمانه خود باشد، لاجرم وصیت نامه منسوخه عیب و اشکالی داشته



نور و هفت آبی که گشت ۵۰۰

بقیه از صفحه ۷

دولت شوروی متعاقباً این واقعه بشدت به جمهوری اسلامی اعتراض کرد و خواستار دریافت خسارت شد.

دوشنبه ۷ دی

* یک ایرانی دیگر از اهالی کردستان که از سوی دادگاه انقلاب اسلامی متهم به سوء قصد و بمب گذاری شده بود بعد از ظهر امروز در یکی از خیابان های تهران به آتش سوخته شد.

* دولت جمهوری اسلامی از مردم خواست برای مبارزه با آلودگی شدید هوای تهران که از مرز خطر برای سلامتی انسان گذشته است روز سه شنبه از اتوموبیل های شخصی خود استغنا دهند.

سه شنبه ۸ دی

* کنفرانس سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با صدور قطعنامه ای در ریاض به کار خود پایان داد. در این قطعنامه آمده است که وقایع مکه آشوب افکنی های جمهوری اسلامی و تعرضات رژیم تهران به کویت و هجوم به سفارتخانه های کویست و عربستان سعودی در تهران مورد بررسی قرار گرفت. این قطعنامه همچنین از شورای امنیت سازمان ملل درخواست میکند که برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ هر چه زودتر تصمیمات مقتضی اتخاذ کند.

* به گزارش رادیو تهران پیش از ظهر امروز یک هواپیمای آموزشی به علت نقص فنی در نزدیکی فرودگاه مهرآباد در یک منطقه مسکونی سقوط کرد که پیرا شرآن حداقل هفت تن جان باختند.

* هشت ایرانی جلای وطن کرده که دیشب از بلگراد به سوی دوی اخراج شدند با مداد امروز وارد دوی شدند و روز را در تالار ترانزیت فرودگاه دوی گذرانند. مقامات دوی هنوز درباره سرنشت این هشت نفر تصمیمی اتخاذ نکرده اند. * شرکت های نفتی ژاپن اعلام کردند که طی سال میلادی آینده واردات نفت خام از ایران را ۴۱ درصد کاهش خواهند داد. بنا بر این گزارش ۶ شرکت نفتی ژاپن از روز جمعه آینده واردات نفت خسودرا از ایران از ۳۳ هزار بشکه در روز به ۱۹۵ هزار بشکه در روز تقلیل خواهند داد.

چهارشنبه ۹ دی

* به گزارش تلویزیون های بی.بی.سی و آی.تی.ان، انگلستان یک نوا جنگی انگلیسی در نزدیکی بندر شرقی میان دو نفتکش لیبریایی و بانامایی و یک ناو جنگی جمهوری اسلامی که به سوی آنها نزدیک میشد قرار گرفت و به نوا و جمهوری اسلامی اخطار کرد از نزدیک شدن به نفتکش ها خودداری کند. ناو جمهوری اسلامی سرانجام از محل دور شد.

* پروازهای هواپیمای جمهوری اسلامی به لندن که از یکشنبه ۲۲ آذر قطع شده بود از روز سه شنبه از سر گرفته شد.

پنجشنبه ۱۰ دی

* ۸ ایرانی جلای وطن کرده که در فرودگاه دوی سرگردان بودند، دیروز بطور موقت بناگاهای یافتند و مقامات دوی موافقت کردند به بعضی از آنها یک هفته و به بعضی دیگر دو هفته روادید ترانزیت اعطا کنند تا مقصد بعدی آنها معین شود.

شنبه ۱۲ دی

* محمد غرضی وزیر پست و تلگراف جمهوری اسلامی در مصاحبه ای با روزنامه کیهان بین المللی اعلام کرد که جمهوری اسلامی بزودی یک ماهواره ارتباطی، به نام زهره را که به وسیله کارشناسان ایرانی ساخته شده است، با موشک اروپائی آریا به فضا پرتاب خواهد کرد. وی افزود ساخت این ماهواره ۶۰۰ میلیون دلار هزینه برداشته است که ۴۵ میلیون دلار آن برای پرتاب ماهواره به شرکت اروپائی آریا اسپاس پرتاب خواهد شد.

یکشنبه ۱۳ دی

* فرانک کارلوجی، وزیر دفاع آمریکا، در آنگا زلسله دیدارهای آزکویت، بحرین، عربستان سعودی و عمان، امروز وارد کویت شد.

دردوره بعد از شاه چون این اندازه انصاف وجود داشت و میخواستند دو سه برابری کوریکشند و شترسواری دولادولا بکنند دیدیم که حزب و حزب بازی چه سرتوشتی پیدا کرد.

هنگامی که انقلاب اسلامی به مرحله پیروزی رسید رژیم جدید تا سیس شسد طبعاً "اولین ندایی که برخاست ندای تشکیل احزاب و جمعیت های سیاسی بود ولی اولین شعاری هم که درست در همان زمان بگوش رسید، این بود:

" حزب فقط حزب الله - رهبر فقط روح الله "

این یکی از واقعی ترین و صادقانه ترین شعارهای ۹ ساله اخیر بوده است که اتفاقاً برخلاف اکثر شعارها بسا قطعیت پی گیری و با موفقیت اجرا شد. هر کس هوس رهبری در سرداشت سرش به باد درفت و هر جا حزبی و جمعیتی عرض وجود کرد در در آن قفل زدند. طبعاً استبدادی رژیم حتی وجود دکان سیاسی موسوم به حزب جمهوری اسلامی را که متولیان همین انقلاب و همین حکومت دکانسدار آنند تحمل نکرد. چگونه ممکن است نمایش تازه حزب سازی و حزب بازی را کسی درین رژیم استبدادی و انفرادی جدی بگیرد و اصولاً از دویا رها زکردن دکانی آبرویا خسته و ورشکسته چه حاصل؟!

است که بعد از چند سال لازم دیده اند آن را عوض کنند، خوب، اگر احتمالاً "حضرت امام چند ماه قبل، پیش از آن که فرصت تجدید نظر در وصیت نامه خود پیدا کندا جلسش در می رسید تکلیف مردم و مملکت بسا وصیت نامه ناقص و معیوب چه بود؟ آخر این چه وصیت نامه الهی است که فقط بعد از چهار پنج سال تغییر آن لازم می آید آن هم در حالی که ترکیب و وضع در جمهوری اسلامی تغییری نکرده و بقول حافظ:

گوهر مخزن اسرار همان است که بود حقه مهربان ناموشان است که بود در مورد احزاب یک سوءال دیگر نیز هست که آیا اصولاً در حکومت استبدادی جایی برای حزب و تحزب وجود دارد؟

حزب جزو تاءسیسات حکومت دموکراسی است. همان طور که دموکراسی بدون حزب وجود ناقصی بشمار می آید استبداد بسا حزب نیز ترکیب مبتذل و مسخره ایست. در ایران، بارها این مطلب را آزموده ایم. تنها حرف منصفانه ای که ما از زبسان حکمرانان ایران در مورد حزب شنیده ایم حرف رضا شاه است. مخبر السلطنه هدا یست در خاطراتش مینویسد که وقتی او رئیس الوزراء بود گروه تجدد طلبان اصرار داشتند در ایران حزب تاسیس شود، یکی از روزها که جلسه هیات وزیران در حضور

نشانی: QYAM IRAN C/O G.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد